



وجود انواع مختلف عقلانیت/ هر عقلانیت باید متناسب با منبع خود ارزیابی شود

در ارجاع به متعلق عقلانیت، می‌توان از تجربه، عقل ابزاری، عقل کلامی، عقل فلسفی، عقل شهودی یا اشراقی، عرفان و امر مقدس به عنوان منبع عقل سخن گفت و هر عقلانیت باید متناسب با منبع خود ارزیابی و بررسی شود.

در ارجاع به متعلق عقلانیت، می‌توان از تجربه، عقل ابزاری، عقل کلامی، عقل فلسفی، عقل شهودی یا اشراقی، عرفان و امر مقدس به عنوان منبع عقل سخن گفت و هر عقلانیت باید متناسب با منبع خود ارزیابی و بررسی شود.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود موسوی، پژوهشگر فلسفه و کلام و عرفان اسلامی، در دوره آموزشی «عقل در قرآن و تمدن اسلامی» که به همت جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه برگزار می‌شود، به ارائه بحثی درباره عقل و عقلانیت پرداخت.

سید محمود موسوی با اشاره به این که در تاریخ اندیشه اسلامی، شاهد رویکردهای متفاوتی به عقلانیت هستیم، گفت: این رویکردها بسته به ماهیت عقل و عقلانیت مورد بحث، از جنبه تأییدی و همدلانه تا منفی و خصمانه تغییر می‌کنند. بنابراین، بررسی ماهیت و سبک‌های عقلانیت و نیز معیارهای آن برای هرگونه مطالعه این مبحث ضروری به نظر می‌رسد.

وقتی منبع جدیدی برای عقلانیت بروز می‌کند، قواعد و قوانین مختلفی برای آن اخذ خواهد شد. عقلانیت به تبع مواجهه‌های مختلف و متنوع ما با واقعیت، متنوع می‌شود. چنان که گفته آمد منابع مختلفی را برای عقلانیت می‌توان برشمرد. از این رو هر عقلانیت باید متناسب با منبع خود ارزیابی و بررسی شود.

وی افزود: در این طریق همچنین باید نقش‌های حیاتی که عقل می‌تواند در کل نظام باورهای دینی ایفا نماید را به خاطر داشته باشیم و مورد تأکید قرار دهیم. به نظر می‌رسد که این نسخه‌های متفاوت، واگرا و گاه متعارض عقلانیت، توسط دانشمندان مسلمان در پرتو نحوه تجربه و فهمی که از واقعیت دارند، بسط یافته است. بنابراین می‌توانیم از مواجهه‌های گوناگون و تجربه‌های مختلفی از واقعیت سخن به میان آوریم که به بروز سبک‌های متفاوتی از عقلانیت می‌انجامد.

وی با بیان این که هر چه مواجهه ژرفتری با واقعیت داشته باشیم، سبک عقلانیتی که می‌توانیم بسط دهیم نیز عمیق‌تر خواهد بود، عنوان کرد: از این رو، سبک‌ها و سطوح مختلفی وجود دارند و از رهگذر دلمشغولی‌ها و تجارب مختلف ما، انواع مختلف عقلانیت از قبیل عقلانیت ایمان‌مدارانه، ابزاری، عملی، نظری، فلسفی، عرفانی و دیگر گونه‌های عقلانیت نضج می‌یابند.

موسوی با اشاره به ضرورت قضاوت منصفانه درباره جایگاه عقل و عقلانیت، بیان کرد: لازم است منشأ و ماهیت هر نوع از عقلانیت را بررسی کنیم و بر مبنای کارکردها و کارآمدی آن در مواجهه با چالش‌هایی که در حوزه‌های اصلی اندیشه مواجه می‌شویم، به ارزیابی آن‌ها بپردازیم.

بررسی واژه‌شناختی و تاریخی عقل و عقلانیت

وی در ادامه با بررسی واژه‌شناختی و تاریخی عقل و عقلانیت پرداخت و گفت: درحالی که واژه عقل در لاتین و زبان انگلیسی اشکال مختلف می‌گیرد (reason, intellect, ratio,...) در زبان فارسی تنها با یک کلمه، یعنی عقل به آن اشاره می‌شود. عقل عبارت است از جریان تفکر در آدمی. انسان در مسیر زندگانی خود و به منظور رشد و بهبود زندگی‌اش مجبور بود افکار خود را مفهوم‌سازی کند، تا هم فهم صورت گیرد و هم اینکه بتواند بفهماند. در دوره باستان، از پیش‌سقراطیان و سقراط و افلاطون و ارسطو این نگاه به عقل به صورت جدی‌تری خود را نشان می‌دهد.

قرآن جایگاه ویژه‌ای برای عقل قائل است. آیات زیادی وجود دارند که جایگاه ویژه عقل را بیان می‌دارند. علت اهمیت آن هم در این

است که اساس حجیت خود این آیات برآمده از آن است. یعنی اگر عقل را خدشه‌دار کنیم، آنگاه اعتبار تمام قضایای در باب وجود خدا و وحی و تعالیم دینی زیر سؤال خواهد رفت

این محقق و پژوهشگر دینی ادامه داد: وقتی این جریان وارد فضای اسلام و سنت اندیشه مسلمانان می‌شود، غنای بیشتری می‌گیرد. چرا که مسلمانان تحت تأثیر تعالیم قرآن حساب ویژه‌ای برای عقل قائل شده و کارویژه‌های آن را به شکل بهتری شناختند و چنین نبود که صرفاً تحت تأثیر اندیشه یونانیان بوده باشند و صرفاً به آن منبع اکتفا کنند. فی‌المثل ارسطو از حرکت برای رسیدن به خدا استفاده کرده بوده و نهایتاً خدا نزد او محرك لایتنحرکی است که صرفاً به مثابه علت غایی در اندیشه او ضرورت خود را نشان می‌داد. چرا که در اندیشه یونانی ماده (یا به تعبیری بهتر طبیعت) ازلی و ابدی تلقی می‌شد و ایده خدای خالق که از عدم بیافریند، کاملاً بی‌معنا می‌نمود.

وی با بیان این که این اندیشه اساساً نمی‌توانست نزد يك مسلمان قابل پذیرش باشد، خاطرنشان کرد: از این رو فلسفه در سنت اسلامی مجرای جدیدی برای عقلانیت می‌یابد. در باب اثبات خدا هم طبیعتاً راه جدیدی طلبیده می‌شود. این است که فی‌المثل در فلسفه ابن سینا، برهان وجوب و امکان (سینوی) در باب اثبات وجود خدا خود را نشان می‌دهد.

موسوی با اشاره به تداوم رویکرد عقلانی در اندیشه و فلسفه سهروردی، گفت: سهروردی در ادامه سنت فلسفه در جهان اسلام و فهم مجرای عقلانیت، جایگاهی ویژه دارد. زمانه‌ای که او در آن قرار دارد زمانه‌ای بسیار مهم است. از يك سو غزالی با کتاب #171تهافت الفلاسفه» خود در 20 مسئله فلسفی، شدیدترین انتقادات را به فلاسفه وارد ساخته بود و در بعضی مسائل آنها را تکفیر کرده و از سوی دیگر خود سهروردی در جاهایی فلسفه مشاء را با کاستی‌هایی مواجه می‌دید. این شد که عقلانیت و طریق تفکر در او راهی دیگر پیش می‌گیرد و سنتی را بنا می‌نهد که بعدها به عنوان فلسفه اشراق شناخته می‌شود.

انسان دارای قوای مختلفی است که به تناسب هر کدام، حالت خاصی از عقلانیت به دست می‌آید

وی با اشاره مجدد به گونه‌گونی روش‌های عقلانیت و طریق اندیشه‌ورزی، بیان کرد: انسان دارای قوای مختلفی است که به تناسب هر کدام، حالت خاصی از عقلانیت به دست می‌آید. آدمی گاهی صرفاً در بستر ذهن و فکر خود است و تنها محتوای اندیشه خود را می‌کاود بی این که سر و کاری با جهان خارج داشته باشد. گاهی هم در باب واقعیت خارجی می‌اندیشد و ورودی اندیشه‌ورزی او داده‌های حسی و تجربه است. گاهی نیز عقلانیت معنای به خصوص دیگری می‌یابد که در سنت فلسفه اسلامی تحت عنوان شهود (intuition) و علم حضوری نامیده می‌شود. به صورت خلاصه چنین می‌توان عنوان داشت که وقتی منبع جدیدی برای عقلانیت بروز می‌کند، قواعد و قوانین مختلفی برای آن اخذ خواهد شد. عقلانیت به تبع مواجهه‌های مختلف و متنوع ما با واقعیت، متنوع می‌شود. چنان که گفته آمد منابع مختلفی را برای عقلانیت می‌توان برشمرد. از این رو هر عقلانیت باید متناسب با منبع خود ارزیابی و بررسی شود.

در بسیاری از آیات قرآن به مسئله تفکر و لزوم و ضرورت آن اشاره شده است و بسیاری از آیات هستند که بار مابعدالطبیعی دارند. همین آیات منشأ خردورزی مسلمانان شد. همچنین بیاناتی که از امام اول شیعیان حضرت علی(ع) در باب مسائل جهان، ارائه شده که حاوی مفاهیم عمیق بود و تلاش‌هایی که از زمان امام رضا(ع) و در قالب بحث‌ها و گفتگوهایی که ایشان با علمای سایر ادیان و فرق انجام می‌داد زمینه‌ای برای اندیشه‌ورزی مسلمانان فراهم کرد که بعدها سنت عقلانی یونان نیز به مجموعه این عوامل افزوده شد

موسوی با بیان این که در ارجاع به متعلق عقلانیت، می‌توان از تجربه، عقل ابزاری، عقل کلامی، عقل فلسفی، عقل شهودی یا اشراقی، عرفان و امر مقدس به عنوان منبع عقل سخن گفت، اظهار کرد: فلاسفه مسلمان را هم می‌توان مطابق این دسته‌بندی، با یکدیگر مقایسه کرد. چنین می‌توان ابراز داشت که واقعیت نیز نزد آنها به طرق متفاوتی بروز کرده است. واقعیت نزد ابن‌سینا صورت هستی و عدم می‌گیرد و نزد سهروردی نور و ظلمت. از این رهگذر نظام مابعدالطبیعی آنها نیز سبک و سیاق خاصی می‌گیرد. اگر ارسطو براساس داده‌های حسی (external datas)، متافیزیک بنا می‌کند، سهروردی نیز براساس داده‌های درونی (internal datas) چنین می‌کند. متافیزیک تا قبل از او متافیزیک وجود بود. ابن سینا نیز به سان ارسطو احکام وجود را بررسی کرد. اما نظام اشراقی، نظام وجودی نیست، بلکه نظامی است مبتنی بر اصالت نور.

این محقق و پژوهشگر در ادامه به بررسی جایگاه عقل در سنت اسلامی پرداخت و گفت: قرآن جایگاه ویژه‌ای برای عقل قائل است. آیات زیادی وجود دارند که جایگاه ویژه عقل را بیان می‌دارند. علت اهمیت آن هم در این است که اساس حجیت خود این آیات

برآمده از آن است. یعنی اگر عقل را خدشه‌دار کنیم، آنگاه اعتبار تمام قضایای در باب وجود خدا و وحی و تعالیم دینی زیر سؤال خواهد رفت. در واقع نمی‌توان حجیت اعتبار عقل را به شهادت آیات موکول کرد که در این صورت دچار دور خواهیم شد. زیرا با عقل است که حجیت قرآن و آیاتش را می‌یابیم، حال دوری صریح خواهد بود که حجیت خود عقل را از آیات بگیریم. عقل خودمتمکی (self-sufficient) است. اعتبار آن را باید در خود او جست.

عقل اولین مخلوق خداست

وی با بیان این که فحوای بسیاری از آیاتی که در باب عقل آمده آن را جوهری غیرمادی و مفارق معرفی می‌کند، که اولین مخلوق خداست، بیان کرد: خدا وجود محض است که اولین عقل از او نشئت می‌گیرد. توضیح آن که، در فلسفه اسلامی مسئله‌ای مطرح شد مبنی بر اینکه چگونه امر واحد بسیط غیرمادی غیرزمانی. غیرمکانی با امور کثیر مادی زمانی و مکانی مرتبط می‌شود. در همین مسیر چنین نتیجه می‌گیرند که این ارتباط نمی‌تواند بی‌واسطه انجام شود. از این رو عقل که در آیات هم سخن از آن گفته شده بود، توجیه منطقی و فلسفی نیز پیدا می‌کند. بدین معنی که خدا که واحد بسیط است و هیچ جهت کثرتی در او نیست. او که علت تامه است، معلول واحدی از او نشئت می‌گیرد و تجلی می‌یابد. این معلول نخستین، همان عقل اول است که او نیز واحد و غیرمادی است، اما مانند خدا بسیط و محض نیست و در درون خود جهت کثرت دارد.

موسوی ادامه داد: همین جهت کثرت مناط علت واقع شدن برای معلول دیگری می‌شود که همانا علت ثانی است. این سلسله مراتب که در فلسفه مشاء، طولی است، به عقل دهم می‌انجامد که در واژگان فلسفی از آن به عنوان عقل فعال (active intellect) یاد می‌شود. هر چه در این مراتب عقول دهگانه بالاتر می‌رویم، بساطت بیشتر می‌شود و جهات کثرت کم و کمتر می‌گردد و هر چه پایینتر می‌آییم، این جریان برعکس می‌شود.

وی با بیان این که در این منظومه، عقل فعال، علت کثرات جهان و ارباب و صاحب اختیار آن تلقی می‌شود، عنوان کرد: در واقع عقل فعال از دو جهت علت است. هم علت افکار و اندیشه در آدمی است و در واقع چنین است که وقتی به چیزی می‌اندیشیم صورت آن را عقل فعال در ذهن ما ایجاد می‌کند و از سوی دیگر علت خود نفس و روح آدمی و عقل اوست. پس هم علت شناختی و هم علت وجودی است.

عقل کلامی

موسوی در ادامه به عقل کلامی پرداخت و گفت: کلام، علمی است که وظیفه‌اش استنباط، اثبات مدعیات دینی و دفاع از آن‌هاست. فی‌المثل وقتی خدا را موضوع بحث کلامی خود قرار می‌دهیم، یعنی بی‌آنکه به صورت برهانی و استدلالی خود دست ببریم، ماده استدلال خود را به نحوی دیگر انتخاب می‌کنیم. در واقع در کلام، علاوه بر موادی که در براهین فلسفی استفاده می‌شود، به قرآن و احادیث و روایات نیز رجوع می‌کنند. در همین راستاست که مکاتب و مسائل مختلف کلامی را می‌یابیم.

وی عمیق‌ترین بعد عقلانیت را در بعد عرفانی دانست و اظهار کرد: نزد ابن‌عربی و ملاصدرا متأخر، عقلانیت عرفانی به معنای عرفان نظری است که در آن سعی بر تبیین یافته‌های عرفانی شده است. باید بر آن بود که تمام ورودی‌های بیرونی بسته شود تا که چشم دل باز شود. در قرآن، علم نوری معرفی می‌شود که خدا به قلب هر آن که خودش بخواهد می‌دهد. این گروه برآنند که توضیحات فلاسفه کافی نیست.

عقلانیت در اسلام، چهار وجه یافته است

وی در پایان به این نکته اشاره کرد که عقلانیت در اسلام، طبق دسته‌بندی ارائه شده، چهار وجه یافته است و گفت: در بسیاری از آیات قرآن به مسئله تفکر و لزوم و ضرورت آن اشاره شده است و بسیاری از آیات هستند که بار مابعدالطبیعی دارند. همین آیات منشأ خردورزی مسلمانان شد. همچنین بیاناتی که از امام اول شیعیان حضرت علی(ع) در باب مسائل جهان، ارائه شده که حاوی مفاهیم عمیق بود و تلاش‌هایی که از زمان امام رضا(ع) و در قالب بحث‌ها و گفتگوهایی که ایشان با علمای سایر ادیان و فرق انجام می‌داد زمینه‌ای برای اندیشه‌ورزی مسلمانان فراهم کرد که بعدها سنت عقلانی یونان نیز به مجموعه این عوامل افزوده شد.